

# دیزاین یک شغل است

مایک مونتیرو

ترجمه مادانا فرهادیان



دیزاین مشکی / ۱۲+۱

۹	سشن گفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	۱   دبراییر چه کاره اسب؟
۲۱	۲   پیدا کردن مشیری
۳۵	۳   سدا کردن مشیری مناسب
۴۵	۴   مطالبهٔ حقوق کاربان
۶۱	۵   کار کردن با قرارداد
۷۵	۶   روند کاری خودبان را داشسه باسد
۸۵	۷   ارانهٔ دبراس
۹۵	۸   مدبریب نازحوردها
۱۰۹	۹   بول گرفس
۱۲۵	۱۰   کار کردن با نقبه
۱۵۹	سبیحه
۱۶۱	سپاسگراری
۱۶۳	یادداشتها
۱۶۵	منابع
۱۶۷	نامنامه

## ۱ | دیزاینر چه کاره است؟

«حلاقیت‌ها را رو کنید!»

نگدارید داستان قشنگی برایتان تعریف کنم اگر آدم حرشاسی باشید، شاید این داستان اصلاً داستان رنگی خود شما باشد این داستان در حایب ریبا و حیلی دور اتفاق می‌افتد، با آسمان آبی آبی، دریایی از امکانات حلوه‌های ویژه، درخت‌های گردو قلمه‌ای که فکرهای بکر از آن‌ها آویزان است و رقص پرشور الهه‌گانی حداب، با نوای تکبوی دوس دوس، در حگلی از موسیقی‌هایی که فت و فراوان در اختیاران هست نه نه در این دنیای قشنگ هیچ ساعت رنگ‌داری وجود ندارد از هرچه نگدریم، حواب کافی برای حلاقیت لارم است هر وقت دلتان بخواهد نرم‌رمک می‌روید سر کار و از دست عول‌های بی‌شاح و دم مصزی که حرثت می‌کند و قرار جلسه‌های مورد بیار ددمشابه‌شان را قبل از ساعت یارده می‌گذارید، حیم می‌شوید و در می‌روید البته لرومی ندارد حتی بعد از ساعت یارده هم پیششان بروید، توی صدلی کار دسته‌دار راحتی‌تان لم می‌دهید، در حواست چند جلسه را روی ماییتور سی‌اس‌چی‌تان رد می‌کنید، مونایلتان را حاموش می‌کنید و مسطر می‌مایید که الهام نه سراعتان بیاید

اما دیگر وقت نهار شده است

در این افسانه ریبا، شما همان هستند که «آدم حلاق» نامیده می‌شود حیلی حوش‌شانسید، چون موقعی که نقیه زیر بار الرام‌ها، معیارها، آرمون‌ها، یا انواع و اقسام ریاضی و علوم حم شده‌اند، شما ثمره و نتیحه یک حادو هستید (یا اگر ارطایمه گات‌ها

ناشید، خود حادوگر) آگاهی از این چیره‌های پیش‌پاافتاده تنها کاری که می‌کند این است که حلاقیّت شما را آلوده کند دیرایین‌های شما از درونتان فوراً می‌کند. اما هر داستانی وقتی حلال می‌شود که گره و گیر کوچکی در آن پیدا شود. یک اژدها وارد کنیم؟ حالا فرصت کنیم که آن اژدها الان روی میرتان ایستاده است و این اژدها از محتوای کامپیوترتان یک سحّه چابی گرفته، آن را وارد پاورپوینت کرده و تعییرات حیلی خاصی که با آن‌ها مخالف هم هستید، اعمال کرده و درباره‌ی تمام این‌ها هم در همان جلسه‌ای تصمیم گرفته شده که در آن شرکت نکرده بودید. حادو شما را از این اژدها در امان نگه نمی‌دارد. وقتش است که از حلاق بودن دست بردارید و شروع کنید به دیرایبر شدن. ناهار را حلدی بحورید ما ساعت می‌ربیم.

### چرا این افسانه محرب است؟

افسانه‌ی آدم حلاق حادویی است قدرتمند و حی‌وحاصر دیرایبرها و کسانی که با آن‌ها کار می‌کند. بیر این افسانه را ریده نگه می‌دارد. اما این افسانه محرب است و کار دیرایبر را در سطح کار کسی که وب را راست‌ورپس یا برک می‌کند پایی می‌آورد، یعنی در سطح کسی که راه موفقیت را حس می‌کند. از آدم حلاقی حادویی انتظار می‌رود، به‌حای آنکه بر اساس روشی بنام‌مند که نتوان نارها و نارها آن را به کار بست به موفقیت دست پیدا کند، بر پایه‌ی شّم و بحت‌واقبال کار کند.

به‌علاوه این افسانه باعث می‌شود بحسب و تحمل‌ناپدیر ناشید هیچ‌کس از همکاری که خارج از قواعد کار کند حوشش نمی‌آید و همین باعث می‌شود کار کردن با گروه خودتان سحت شود.

همچین کار را برای دیرایبرهای دیگر (مثل من) سحت می‌کند. من عاشق کار هستم و از آدم‌هایی که آن را از آنچه که هست سحت‌تر می‌کنید حوشم نمی‌آید. اما هر بار که یکی از مشتری‌ها به من می‌گوید فقط در مورد چیری بنظرپرداری کنم که شاید حتی به سرانجام هم برسد، یا می‌گوید نکند یک وقت «حلاقیتم را حعه یا سرکوب کنم»، آن وقت باید برای بی‌اثر کردن افسانه‌ی آدم حلاقی حادویی وقت صرف کنم (حوشبختانه بیشتر شبیه رانده‌ی کامیون هستم تا موحودی حلاق، اما افسوس، شاید نفرین

حدابیت دامتتان را گرفته باشد)

هر دیرایبری به نارحورد صادقانه و انتقاد واقعی بیار دارد و این امر مهم در قلمرویی که همکاران و مشتری‌ها نگران درهم شکستن روحیه‌ی موحودی حادویی ناشد اتفاق نمی‌افتد. مه حداب تأیید و تصدیق حلوی دید را می‌گیرد. دیرایبر واقعاً چه کاری باید نکند؟ بیسیم

### دیرایبر مسائل را در چارچوب مجموعه‌ای از محدودیت‌ها حل می‌کند

محدودیت حیلی وقت‌ها به صورت‌های ریر حودش را نشان می‌دهد. به‌شکل مواد موحود (نداشتن چوب، دستگاه چاپ کوچک یا په‌نای ناند)، به‌شکل محاطبانی که راه‌حل را باید برای آن‌ها پیدا کرد (بچه‌ها، کاربرانی که کار با وب برایشان حیلی راحت نیست، کسانی که به چند رناب صحبت می‌کنند) و به‌شکل الرامات تحاری (راهنماهای سبک کار، روابط فروشده در محل کار، لوگوی ما به‌شکل «شیطان» است).

چه نوع مسائلی؟ حب همین مسائل تعیین می‌کند که شما چه نوع دیرایبری هستید. اگر در حال دیرایبر نوعی صدلی هستید که نا هشت ساعت نشستن روی آن ناستان درد نگیرد، آن وقت شما مبلمان دیرایبر می‌کنید. اگر شاردده سالتان است و در یک دست لوله‌ی کاعدی دستمال‌توال‌ت گرفته‌اید و در دست دیگر ورقه‌ی آلومینیومی، شما دیرایبر صععتی هستید. اگر یکی از آن کتاب‌های کوچولوی حوشگل رنگ‌رنگی در دست دارید، فرصت این می‌شود که شما هم یک حورهایی در حال‌وهوای دیرایبر وب هستید، مثل حود من. برای همین تا آخر این کتاب هر وقت بحواهم مثالی برم یا وارد حرئیات بشوم، از چشم‌انداز یک دیرایبر وب این کار را می‌کنم. اگر دیرایبر هستید، ولی از قماش دیگری، مطمئنم که هبور هم از این کتاب چیری گیرتان می‌آید، فقط اصلولش را بردارید و آن را در حوره‌ی حاص خودتان به کار بسدید.

### دیرایبر اهداف را می‌فهمد

اگر سعی می‌کنید کسب‌وکار تازه‌ای را از اول حط راه بنیدارید، اگر مشعول تعییر دادن حرده‌حرده‌ی محصولات موحود هستید، اگر دارید کاری مابین این دو انجام می‌دهید،